



روزنه

مریخ B به‌دنبال جنگ!

علی امیدی

● به‌تازگی در مصاحبه‌های دکتر محمدجواد ظریف با رسانه‌های آمریکایی، به‌ویژه شبکه خبری دست‌راستی فاکس نیوز، ابعاد جدیدی از خطر جنگ علیه ایران و کشاندن ناخواسته آمریکا به ورطه جنگ با دسیسه بولتون، بن زاید، بن سلمان و بی‌بی (ناتایاهو) به‌عنوان مربع «B» رونمایی شد. دکتر ظریف می‌کوشید در مصاحبه اختصاصی با فاکس‌نیوز و بعداً در توییت‌های خود، ابعاد و اهداف این مربع را برای افکار عمومی جهان و مردم آمریکا شریح کند؛ اما نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه شود، فقدان تمایز و تفاوت بنیادین میان افکار و اندیشه‌های جان بولتون، مایک پمپئو با شخص ترامپ است. شاید در نگاه اول، دیدگاه‌های جان بولتون به علت گرایش محافظه‌کارانه شدیدش، تندتر از دونالد ترامپ به نظر برسد؛ اما واقعیت این است وقتی ترامپ در میان این‌همه دولتمردان بالقوه، بولتون را به سمت مهم مشاور امنیتی کاخ سفید برمی‌گزیند و پمپئو را با آن سابقه سیاهش در سازمان سیا، به پست وزارت خارجه انتخاب می‌کند، همه اینها حاوی این پیام جدی است که ترامپ هم‌خواهی فکری بالایی با این دست‌از شخصیت‌ها دارد. این ترامپ بوده که این افراد همسو را برای حضور در کابینه‌اش دعوت و افراد غیرهمسو را مجبور به استعفا کرده است. به نظر می‌رسد دکتر ظریف آگاهانه و از روی یک تصمیم استراتژیک اعلام کرده بولتون و پمپئو به‌دنبال کشاندن ترامپ به جنگ و درگیری با ایران هستند تا روزنه‌ای برای ایجاد اختلاف در دولت آمریکا ایجاد کنند.

البته دکتر ظریف با پیشنهاد تبادل زندانیان این پیام را به جامعه آمریکا داد که ایران دنبال دشمنی نیست و در صورت فراهم‌بودن شرایط، آماده مذاکره و دیپلماسی برای حل سایر موضوعات اختلافی است. از منظر، همکاری درباره تبادل زندانیان می‌تواند مقدمه‌ای برای مذاکره درباره تحریم‌ها باشد؛ اما واقعیت این است که درحال حاضر شکاف و اختلاف جدی در میان هیئت حاکمه آمریکا نسبت به ایران دیده نمی‌شود. از سوی دیگر، تجربه گذشته اعمال تحریم‌ها از سوی آمریکا علیه ایران به‌ویژه در دور دوم ریاست‌جمهوری اوباما، این دیدگاه را در دستگاه سیاست خارجی آمریکا ایجاد کرد که تحریم‌های هوشمند مؤثرترین ابزار برای کنترل ایران با هدف امتیازگیری است. تجربه تحریم‌ها از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ تا دوره اوباما که در نهایت به توافق برجام منتهی شد، این تصور را در دولت ترامپ ایجاد کرده که با همین حربه، می‌تواند از ایران در سایر موضوعات مهم مانند مسائل منطقه‌ای، دفاعی و نظامی امتیاز بگیرد. استنتاج ترامپ از گذشته تاریخی روابط آمریکا و ایران این است که فشارهای مضاعف به ایران به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، ایران را به سمت مذاکره می‌کشاند.

مسئله بعدی برداشت سرران عربستان و اسرائیل از ایران به‌عنوان تهدید وجودی است. از نگاه رهبران این کشورها، ایران تنها کشوری است که به‌لحاظ نفوذ معنوی و قابلیت نظامی در سطحی قرار دارد که می‌تواند به‌لحاظ امنیتی تل‌آویو و ریاض را با تهدید روبه‌رو کند. بیشتر دولت‌های عربی یا رژیم‌های وابسته به آمریکا هستند یا اینکه نسبت به منازعه اعراب و اسرائیل بی‌تفاوت‌اند. ایران تنها کشور فعال در منطقه است که در برابر سیاست‌های توسعه‌طلبانه اسرائیل مقاومت می‌کند. حماس، حزب‌الله و حتی خود دولت سوریه بدون حمایت جدی ایران یارای مقاومت در برابر اسرائیل را ندارند. درست است که حماس و حزب‌الله جریانی خودجوش در غزه و لبنان هستند؛ اما واقعیت این است که این دو جریان بدون حمایت ایران توان تقابل با اسرائیل را ندارند. سران صهیونیستی با آگاهی از محور مقاومت در منطقه به‌دنبال فلج‌کردن سرمنشا این محور، یعنی ایران، با حمایت‌های آمریکا هستند. این نگاه در دولت عربستان هم حاکم است. دولت عربستان فاقد ظرفیت مردمی و سیاسی است و تنها اتکانش به زر و زور (دلارهای نفتی و حمایت آمریکا) است. باور دولت عربستان این است که ایران حامی جریان‌های انقلابی در داخل عربستان و بحرین است. البته دولت سعودی با برجسته‌سازی تهدید ایران به‌دنبال فراقتنی مشکلات و بحران‌های سیاسی داخلی‌اش هم هست. از طرف دیگر، موضوع تهدید ایران بهانه مناسبی برای دولت عربستان در سرکوب گروه‌های شیعی و فعالان سیاسی است. به‌رهورر مربع B اکنون به این جمع‌بندی رسیده که ایران منبع اصلی تهدید است و باید به طرق مختلف اعم از تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده و در مرحله بعدی احتمالاً جنگ مهار شود. باور اصلی این‌مربع به جنگ است؛ جنگی که در آن، آمریکا پیش‌قراول و آوانگارد باشد و عربستان و دولت‌های عربی اسپانسر مالی. اسرائیل هم احتمالاً تأمین‌کننده لجستیک و لای‌گری برای انتخاب دور بعد ریاست‌جمهوری ترامپ!

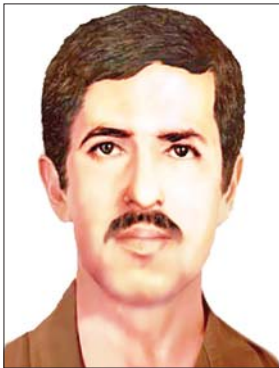
politics@sharghdaily.ir

سیاست

روایت ترور مجید شریف‌واقفی

تاوان ایستادگی

بلاغ شد، وحید افراخته و او در ساعت چهار بعد از ظهر روز ۱۶ اردیبهشت‌ماه ۵۴ در سه‌راه بوذرجمهری تو (۱۵ خرداد شرقی)، باید یکدیگر را می‌دیدند. قبلاً محسن سیدخاموشی و حسین سیاه‌کلاه در یکی از کوچه‌های خیابان ادیب‌الممالک مستقر شده بودند و در انتظار ورود شریف‌واقفی به سر می‌بردند که قرار



رسیدند و خواستند از آن عبور کنند. حسین سیاه‌کلاه یک گلوله از رویه‌رو به صورت شریف واقفی و وحید افراخته نیز گلوله‌ای از پشت سر به او شلیک کرد. جسد او به‌سرعت در صندوق عقب اتومبیلی که از قبل آماده بود قرار گرفت، محسن و دو نفر دیگر با رانندگی حیدر و وحید افراخته به سوی بیابان‌های مسگرآباد حرکت کردند. در آنجا شکم شریف واقفی توسط خاموشی و سیاه‌کلاه پاره شد و در آن، محلول بنزین و کلرات و شکر ریختند و آتش زدند

عازم تهران شدند. ما گمان می‌کردیم ساواک مجید را دستگیر کرده و می‌خواهد اعدامش کند و خانواده را برای آخرین دیدار فراخوانده است. هنگامی که خواهر و برادرم به شهربانی رفتند به آنان خبر دادند که مجید به‌دست هم‌مسلمانان و هم‌گروهی‌هایش کشته و جسدش سوزانده شده است که این خبر برای خانواده بسیار غیرمنتظره بود. ساواک دو نفر از افرادی را که در قتل مجید دست داشتند در یک درگیری خیابانی دستگیر کرده، به نزد خواهر و برادرم آورده

که چاله‌های زیادی داشت. بعد از مدتی معطلی، بالاخره جسد را از ماشین پایین انداختیم و کلرات را روی جسد ریختیم، مخصوصاً روی صورت او. بعد بنزین ریختیم، بعد دست‌های خود را و ماشین را تمیز کردیم؛ بعد مقداری هم بنزین روی دست و پای عباس ریخته شد. در همان حال فنکد را زد. از جسد شعله طولانی بلند شد و از دست و پای عباس هم شعله بلند شد؛ مقداری کرماتی بدهد. طبق برنامه، لیلا، همسر شریف-بی‌آنکه از جریان ترور مطلع باشد- او را تا محل ملاقاتش با وحید همراهی کرد و جدا شد. قرار بود در این ملاقات آخرین حرف‌ها زده شود و وحید-احتمالاً و صرفاً به لحاظ تاکتیکی جهت انحراف ذهن شریف- موافقت سازمان را به مجید شریف واقفی اعلام دارد. وحید وی را به داخل خیابان ادیب برد و زمانی که به کوچه محل استقرار دو عضو دیگر رسیدند و خواستند از آن عبور کنند. حسین سیاه‌کلاه یک گلوله از رویه‌رو به صورت شریف واقفی و وحید افراخته نیز گلوله‌ای از پشت سر به او شلیک کرد. جسد او به‌سرعت در صندوق عقب اتومبیلی که از قبل آماده بود قرار گرفت، محسن و دو نفر دیگر با رانندگی حیدر و وحید افراخته به سوی بیابان‌های مسگرآباد حرکت کردند. در آنجا شکم شریف واقفی توسط خاموشی و سیاه‌کلاه پاره شد و در آن، محلول بنزین و کلرات و شکر ریختند و آتش زدند

حسین سیاه‌کلاه یک گلوله از رویه‌رو به صورت شریف واقفی و وحید افراخته نیز گلوله‌ای از پشت سر به او شلیک کرد. جسد او به‌سرعت در صندوق عقب اتومبیلی که از قبل

آماده بود قرار گرفت، و وحید دو نفر دیگر با رانندگی محسن خاموشی به سوی بیابان‌های مسگرآباد حرکت کردند. در آنجا شکم شریف واقفی توسط خاموشی و سیاه‌کلاه پاره شد و در آن، محلول بنزین و کلرات و شکر ریختند و آتش زدند

عازم تهران شدند. ما گمان می‌کردیم ساواک مجید را دستگیر کرده و می‌خواهد اعدامش کند و خانواده را برای آخرین دیدار فراخوانده است. هنگامی که خواهر و برادرم به شهربانی رفتند به آنان خبر دادند که مجید به‌دست هم‌مسلمانان و هم‌گروهی‌هایش کشته و جسدش سوزانده شده است که این خبر برای خانواده بسیار غیرمنتظره بود. ساواک دو نفر از افرادی را که در قتل مجید دست داشتند در یک درگیری خیابانی دستگیر کرده، به نزد خواهر و برادرم آورده

بودند. آن دو نفر وحید افراخته و محسن خاموشی بودند. ساواک موفق به دستگیری سیاه‌کلاه نشده بود. سیاه‌کلاه بعد از انقلاب هم دستگیر نشد و به گمانم هنوز هم زنده است. البته به نظر می‌رسد که هدف ساواک هم از این رویه‌روی درگیری خانواده ما با قاتلان مجید بوده است، ولی خواهر و برادرم چون هنوز مرگ مجید را باور نداشتند هیچ عکس‌العملی نشان ندادند.»

مریم سادات، خواهر بزرگ‌تر شریف‌واقفی، نیز در ادامه سخنان خواهرش درباره قتل برادرشان گفته بود: «ما آن موقع حرف‌های ساواک را باور نکردیم و برادرم گفت من نمی‌توانم حرف‌های شما را هضم کنم. در آن جلسه تهرانی و ازغندی-از شکنجه‌گران معروف ساواک- نیز حضور داشتند و به برادرم گفتند ما به تو چیزی را نشان خواهیم داد که هضم مسئله برایت دشوار نباشد. سپس برادرم را به اتاق دیگری بردند و به او یک کتک مفضل زدند و گفتند حالا هضم کن! به من هم گفتند اینها قاتلان برادرت هستند و با آنان هر طور می‌خواهی رفتار کن که من گفتم آنان را به خدا واگذار کردم. اصلاً باور نکردم که مجید به شهادت رسیده است. با خودم گفتم حتما او را به شکنجه‌گاه برده‌اند و حالا قصدشان حرف‌کشیدن از ماست. گفتند پس اگر نمی‌خواهیم حرفی بزنیم برادرت (مرتضی) را به تو نمی‌دهیم و این برادرت را هم می‌فرستیم پیش مجید. سپس من آمدم در محوطه و شروع کردم به دادزدن، گفتم ملت ایران ببینید اینها دارند با مردم چه‌کار می‌کنند. برادر من را کشتند و سوزاندند حالا می‌گویند این برادر دیکرت را هم آزاد نمی‌کنیم. در نهایت هنگامی که به نزدیک در خروجی رسیدم، دو مأمور فرستادند و مرا به داخل بازگرداندند. من را به اتاقی تاریک بردند، برادرم را نیز آوردند. از قاتلان مجید، خاموشی را نیز آوردند. پاهای او به علت شکنجه وزم کرده بود و آنها را بسته بودند. برادرم به خاموشی اشاره کرد و از او سؤال کرد که

مجید شهید شده؟ ولی او به قدری بی‌حال و ناتوان بود که نمی‌توانست جواب بدهد و چیزی نگفت. جلسه تمام شد و به ما گفتند از اینجا که خارج شدید با کسی راجع به مرگ مجید صحبت نمی‌کنید تا ما اعلام کنیم که شما مراسم بگیرید. پس از خروج از ساواک با برخی از دوستان مجید که قبلاً در سازمان بودند و در جریان امور قرار داشتند تماس گرفتم و آنها شهادت مجید را تأیید کردند.»



● سیل امسال پیام‌های روشنی برای مسئولان دست‌اندرکار ساخت سدها داشت. سد باید به‌شدت محکم با مصالح عالی و توسط متخصصان ساخته شود، تا استحکام سیل‌های مهیب‌تر را داشته باشد. ثانیاً دریاچه پشت سد خیلی وسیع باشد، سدهای مشهد مثل ارداک، طرک، گلستان و کارده هم باید مقاوم‌سازی شود. هم دریاچه و حریم سد باید وسیع باشد. در این سدها اکنون کنار دریاچه و حریم توسط عده‌ای تصرف شده که باید رفع تصرف شود. دورکردن متصرفان کیفیت آب سدها را نیز ارتقا می‌دهد.

● با توجه به سیاست‌های اخیر دولت و تصویب مجلس برای توسعه جایگاه‌های سوخت‌گیری گاز سی‌ان‌جی برای صرفه‌جویی بیشتر در مصرف سوخت نسبت‌گرا بنزین و مدیریت و کنترل بهتر آن، شایسته است مسئولان محترم شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران و شرکت ملی گاز ایران منطقه اصفهان، برای احداث حداقل یک جایگاه سوخت‌گیری سی‌ان‌جی در منطقه وسیع و پرجمعیت و پرتردد شهرک «خانه اصفهان» واقع در شمال شرقی شهر بزرگ اصفهان اقدام کنند. این شهر با سابقه طولانی و قدمت شهری بیش از ۵۵ سال، درحال‌حاضر جایگاه سوخت‌گیری سی‌ان‌جی ندارد. لطفاً مسئولان محترم برای راه‌حال اهالی این منطقه در منطقه وسیع و پرجمعیت و پرتردد شهرک اصفهان اقدام کنند. این شهر با سابقه طولانی و قدمت شهری بیش از ۵۵ سال، درحال‌حاضر جایگاه سوخت‌گیری سی‌ان‌جی ندارد. لطفاً مسؤلان محترم برای راه‌حال اهالی این منطقه در منطقه وسیع و پرجمعیت و پرتردد شهرک اصفهان اقدام کنند.

● یک ملک خیلی قدیمی و تاریخی در خیابان ولیعصر، نرسیده به سه‌راه جمهوری، کوچه رجب‌بیگی، پلاک ۱۳ وجود داشت که متأسفانه این ملک در تعطیلات عید تخریب شده است، این ملک بسنسیار دیدنی بود و در معرض دید قرار داشت؛ جا دارد مراجع ذی‌ربط پیگیری کنند که از تخریب این اماکن جلوگیری شود.

● بازنشسته هستم، شرکت مخابرات ۱۹ سال است که حدود ۹۰ میلیون از ما گرفته و قرار بود آپارتمانی را پنج‌ساله به ما تحویل دهند؛ ولی همچنان منتظریم و هیچ اتفاق نیفتاده و خبر جدیدی هم نشده است

● یک مخاطب



Since 1960

مجموعه رستوران های لئون



<p>شعبه آبان جنوبی کریمخان زند، آبان جنوبی نیش کوچه ورشو ۸۸ ۹۰ ۴۶ ۲۵</p>	<p>شعبه پاسداران پاسداران، بهستان هشتم پلاک ۱، برج آبتین، طبقه ۷ ۲۲ ۷۹ ۱۲ ۱۹</p>	<p>شعبه سام سنتر فرشته (فیاضی) مرکز خرید سام سنتر، طبقه ۸ ۲۲ ۶۵ ۳۸ ۴۱</p>	<p>لئون کافه بزرگراه کردستان مجمع آس.آب، پلاک ۳۹ ۸۸ ۶۱ ۹۹ ۹۹</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------

www.leon1960.com

leon.1960

بلاخره جایی یافتیم در ۱۸کیلومتری جاده مسگرآباد،